

عوامل اجتماعی مرتبط با اعتیاد در بین جوانان استان ایلام

علی فیض الهی

طرح مسأله: افزایش تعداد و کاهش سن معتادان، پدیده اعتیاد در استان ایلام را به مسأله‌ای اجتماعی مبدل نموده است؛ این مقاله از دیدگاه جامعه‌شناختی به بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با اعتیاد جوانان می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سؤال است که «پدیده اعتیاد جوانان استان ایلام ریشه در کدام یک از شرایط و فضاهاى اجتماعى محیط فرد دارد؟».

روش: در این پژوهش که به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته و معتبر صورت گرفته، داده‌ها از ۱۳۲ نفر جوان معتاد ۳۵-۱۵ ساله در مرکز بازپروری معتادان ایلام به‌عنوان نمونه آماری تحقیق اخذ و مورد تحلیل قرار گرفته است. **یافته‌ها:** نتایج حاصل از تحقیق، بیان‌گر تاثیر مهم آسیب‌های خانوادگی نظیر نابسامانی خانوادگی، وجود زمینه خانوادگی، مدیریت ناهمخوان والدین و پیوستگی اندک به خانواده از سویی و تاثیر مخرب میزان فرصت‌های کنترل نشده فرد و ویژگی‌های منفی گروه دوستان بزهکار و محیط نامناسب آموزشی در گرایش فرد به اعتیاد در نمونه مورد بررسی است.

نتایج: ارتباط نهادهای اجتماعی‌کننده فرد نظیر خانواده، گروه دوستان، محیط آموزشی، کار و فرصت‌های کنترل نشده اجتماعی با اعتیاد در نمونه مورد بررسی، توجه ویژه به طراحی برنامه‌های آموزشی برای تحکیم بنیان خانواده، مدیریت خانواده و کنترل و نظارت بر فرصت‌های کنترل نشده اجتماعی فرد را می‌طلبد.

کلید واژه‌ها: استان ایلام، اعتیاد، انحرافات اجتماعی، ساختار اجتماعی و فرهنگی

تاریخ پذیرش: ۸۷/۸/۶

تاریخ دریافت: ۸۶/۲/۴

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام

<alifaizolah@yahoo.com>

۱) طرح مسأله

بسیاری از اندیشمندان، چند عامل خطرزا را در عصر جدید مطرح می‌نمایند که یکی از آن‌ها اعتیاد به مواد مخدر است. استان ایلام به دلیل ویژگی‌هایی نظیر ساخت جمعیتی جوان و نیز وضعیت خاص جغرافیایی و همجواری با مثلث خطر اعتیاد (خوزستان، لرستان و کرمانشاه) در معرض خطر جدی این پدیده است. در هم تنیدگی روابط استان ایلام با این استان‌ها، روند تأثیرپذیری استان از پدیده مصرف مواد مخدر را سرعت بیش‌تری بخشیده است، به طوری که از آغاز دهه هفتاد تاکنون آمار معتادان و قاچاقچیان مواد مخدر در استان ایلام روند صعودی داشته است و تأسیس و تجهیز مرکز بازپروری معتادان و حضور سالیانه بیش از سیصد نفر معتاد و قاچاقچی مواد مخدر در این مرکز (اداره کل زندان‌های استان ایلام، ۱۳۸۴) نشان‌دهنده مسأله بودن آن است. لذا سؤال محوری پژوهش این است که پدیده اعتیاد در استان ریشه در کدامیک از شرایط محیط اجتماعی فرد دارد؟

۲) چارچوب نظری

۲-۱) نظریه رابرت کی مرتن^۱

مرتن اعتقاد داشت که انحراف، از ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه سرچشمه می‌گیرد؛ بدین معنی که تمامی اعضای جامعه درباره ارزش‌های اجتماعی مشترک با هم سهیم‌اند اما توزیع نابرابر فرصت‌ها و امتیازات به‌گونه‌ای عمل می‌کند که نمی‌توان امیدوار بود که همه افراد از راه‌های مشروع به هدف برسند؛ لذا یک گسستگی بین اهداف و وسایل مشروع دستیابی به هدف وجود دارد که حاصل آن عدم تناسب بین اهداف و وسایل، و ایجاد فشار بر افراد برای به کارگیری شیوه‌های دیگری برای رسیدن به موفقیت است که با شیوه‌های مورد قبول جاری فرق می‌کند.

1. Robert K Merton's Theory

مرتن واکنش افراد در مقابل هدف‌های مورد نظر در جامعه آمریکا را با ۵ مورد نشان داده است.

الف) هم‌نوایی؛^۱ ب) بدعت؛^۲ ج) آیین‌گرایی؛^۳ د) انزواطلبی؛^۴ ه) شورش.^۵
از میان واکنش‌هایی که وی بر شمرده است، انزواطلبی برای تبیین مسأله مورد نظر ما مناسب است. انزواطلبی عبارت است از این‌که عده‌ای از افراد بدان علت که با وسایل مشروع و یا نامشروع به هدف نمی‌رسند، از تعقیب هدف دست می‌کشند و از پذیرش یک زندگی متعارف امتناع می‌کنند زیرا از طریق وسایل مشروع یا نامشروع قادر به کسب موفقیت در جامعه نیستند و برای حل این معضل، شیوه انزواطلبی از جامعه را پیشه خود ساخته‌اند. مرتن معتادان و الکلی‌ها را در این مقوله قرار می‌دهد.

۲-۲) نظریه ادوین ساترلند^۶

ساترلند معتقد است که کجروی امری تقلیدی و آموختنی است که از طریق یک جریان پیوند افتراقی^۷ یاد گرفته می‌شود. فرضیه اصلی ساترلند این است که کجروی مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق همبستگی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. فرد باید نخست «نیاموزد که چگونه می‌توان جنایت کرد...». این آموزش، حاصل و نتیجه کنش و واکنش با افراد دیگر است. غالباً افراد، هم با گروه‌های منحرف و هم با افراد و گروه‌های غیرمنحرف برخورد می‌کنند. ساترلند، کنش متقابل میان این گروه‌ها را برحسب فراوانی، اولویت، دوام و شدت ارتباط با یکدیگر مورد سنجش قرار داده است. هر قدر سطح هریک از این ۴ متغیر، چه در خصوص گروه منحرف و چه در خصوص گروه غیرمنحرف بالاتر باشد، به همان میزان

-
1. Conformity
 2. Innovation
 3. Ritualism
 4. Retreatism
 5. Rebellion
 6. Edwin Sutherland's Theory
 7. Differential-Association

احتمال بروز رفتارهای مشابه آن بیش تر است (کوئن، ۱۳۷۵: ۲۲۱).
به نظر ساترلند جرم زمانی اتفاق می افتد که موقعیت مناسب آن برای عامل رفتار فراهم می شود. به طور کلی وی انحراف را امری آموختنی، ناشی از تعامل با دیگران منحرف و تا حدودی درون گروهی می داند.

۳-۲) نظریه ریچارد کلوارد و لوید اوهلین^۱

این دو جامعه شناس آمریکایی در اثر خود تحت عنوان **بزهکاری و فرصت**^۲ معتقدند که «همواره بر اعضای طبقه کارگر فشار بیشتری برای انحراف وارد می شود، زیرا برای نیل به موفقیت از راه های قانونی فرصت کمتری دارند». اینان عقیده دارند که واکنش های افراد طبقه کارگر، به ایجاد سه نوع خرده فرهنگ منتهی می شود: الف) خرده فرهنگ جنائی؛ ب) خرده فرهنگ ستیزه جو و ج) خرده فرهنگ انزوا طلب «پیدایش این واکنش در افراد جوان، به دسترسی آنان به وقتی که برای دست زدن به اعمال خلاف دارند بستگی دارد» (صفوی، ۱۳۷۰: ۲۵).

خرده فرهنگ جنائی در مناطقی به وجود می آید که در آن ها فرصت غیرقانونی وجود دارد. خرده فرهنگ ستیزه جو در مناطقی به وجود می آید که فرصت دسترسی به ساختار فرصت غیرقانونی اندک است. خرده فرهنگ انزوا طلب در مناطقی به وجود می آید که افراد نه فرصت قانونی و نه فرصت غیرقانونی در اختیار دارند و از هیچ کدام از این دو طریق نتوانسته اند موفقیتی کسب کنند. «از این رو برخی از نوجوانان طبقه پایین اجتماعی نوعی خرده فرهنگ انزوا طلبی به وجود می آورند که عمدتاً پیرامون مصرف غیرقانونی داروهای مخدر شکل می گیرد». (همان، ۱۳۷۰، ۲۶).

1. Richard Cloward & Lloyd Ohlin's Theory
2. Opportunity & Delinquency

۴-۲) نظریه کنترل تراویس هیرشی^۱

تراویس هیرشی، یکی از صاحب‌نظران نظریه کنترل اجتماعی، معتقد است که فیود و وابستگی‌های اجتماعی دارای چهار عنصر اصلی است:

«عنصر اول علاقه^۲ یا ارتباط مهم با اشخاص معین دیگر است. کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند، رفاه و احساسات این گونه مردمان را در نظر می‌گیرند لذا مایل‌اند با مسئولیت عمل کنند؛ و بالعکس، کسانی که چنین علاقه‌ای ندارند نگران این نیستند که روابط اجتماعی خود را به خطر اندازند و لذا بیش‌تر احتمال دارد که دزدی کنند و یا مواد مخدر استعمال نمایند.

عنصر دوم تعهد^۳ یا دینی است که مردم نسبت به جامعه دارند. هر چه قدر سرمایه‌گذاری مردم در تحصیلات، سوابق شغلی، خانه و سایر دارایی‌های خود بیش‌تر باشد، دلیل بیش‌تری دارند که همنوا باشند تا بتوانند از دستاوردهای خود حفاظت نمایند و بر عکس. عنصر سوم مشغولیت^۴ و گرفتاری یا مشارکت مداوم در فعالیت‌های غیرانحرافی است چون وقت و انرژی محدود است؛ لذا شخصی که عموماً مشغول است، مثلاً به کار، سرگرمی یا زندگی خانوادگی، فرصت کم‌تری دارد که در اعمال انحرافی مشارکت جوید و بر عکس. اگر مردم قویاً باور داشته باشند که برخی اعمال انحرافی غلط است، مشارکت جستن در آن‌ها برایشان دور از تصور است و برعکس. عنصر چهارم ایمان^۵ یعنی وفاداری فرد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی است» (رابرتسون: ۱۳۷۲: ۶-۱۷۵). به‌طور کلی به نظر هیرشی، بزهکاری افرادی که به خانواده، محل تحصیل، محل کار و دوستان خود دلبستگی دارند، به مراتب کم‌تر از کسانی است که دلبستگی چندانی ندارند. فرض هیرشی بر این است که «کسانی که تقید زیادی به همنوایی با ارزش‌های عام جامعه دارند، عمدتاً در

1. Hirschi Travis's Theory of Control
2. Attachment
3. Commitment
4. Involvement
5. Belief

پیروی از ارزش‌های خرده فرهنگ بزهکاری یا ارزش‌های جامعه مرددند، در نتیجه بزهکاری جوانانی که دچار کشمکش‌اند، کم‌تر از جوانانی است که جزو خرده فرهنگ بزهکاری‌اند و تقید چندانی به هم‌نوایی با ارزش‌های مقبول جامعه ندارند» (بیکر، ۱۳۷۷: ۳۹۷).

به طور کلی از نتایج کار پژوهشی هیرشی می‌توان مطالب زیر را برجسته‌تر یافت:
الف) هر چه رابطه فرزند با والدین نزدیک‌تر باشد، تعلق خاطر و همسانی بیشتری با آن‌ها یافته، احتمال بزهکاری وی کم می‌شود.
ب) بی‌علاقگی کلی به مدرسه، بیزاری از طرح و نظر معلمان برای آینده محصلان و نیز اعتقاد به عدم دخالت مدرسه در رفتار شخصی محصلان با سطح بالایی از بزهکاری مرتبط است. به طور کلی هر چه علاقه محصل به محیط مدرسه و هنجارهای آن بیشتر باشد، احتمال بزهکاری وی کم‌تر است.

۲-۵) نظریه تعامل‌گرایی

دیدگاه تعامل‌گرایی^۱ چگونگی و علت منحرف تلقی شدن که افراد و گروه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و تأثیرات چنین چهره‌ای از آنان بر رفتار آینده‌شان را به بررسی می‌نشیند.

۱-۲-۵) تئوری انگ‌زنی هوارد بکر^۲

به عقیده بکر «انحراف، کیفیت عملی نیست که شخص مرتکب می‌شود، بلکه نتیجه‌ای از کاربرد قانون و مجوزهایی است که بر علیه یک مجرم اعمال می‌شود. فرد منحرف کسی است که بر حسب انحراف به او زده شده است. رفتار انحرافی رفتاری است که مردم به آن چنین برچسبی می‌زنند» (صفوی، ۱۳۷۰: ۳۹). از نظر وی یک برچسب معمولاً فرد را به

1. Interactionism

2. Howard Becker Labeling Theory

عنوان شخصی خاص توصیف می‌کند زیرا برچسب معنی خستی ندارد بلکه در بردارنده ارزیابی از فردی است که بر او برچسب زده شده است. این برچسب معمولاً یک عامل مسلط محسوب می‌شود و دیگران براساس این برچسب با وی تعامل می‌نمایند چون تصویری که فرد از خود دارد معمولاً از واکنش دیگران نسبت به وی مشتق می‌گردد. ممکن است وی خود را همان‌طوری ببیند که به وی برچسب زده شده است، لذا این امر ممکن است هویت فرد منحرف را بر وی غالب کند و بر روابط اجتماعی، خانوادگی و شغلی وی اثر منفی بگذارد و از سویی برخوردهای قانونی با منحرفین نیز می‌تواند مانعی باشد برای این که وی به شیوه معمول، زندگی خود را ادامه دهد. انحراف فرد وقتی بیش‌تر تثبیت می‌شود که فرد از گروه‌های اجتماعی نظیر خانواده و محیط کار و... بگسلد و در گروه‌های سازمان‌یافته‌ای از منحرفین پذیرفته شود و هویت انحرافی خود را تأیید کرده و بپذیرد، افرادی که از موقعیت مشابهی نظیر وی برخوردارند، از او حمایت نمایند و آن‌گاه در داخل این گروه، یک خرده فرهنگ انحرافی به وجود بیاید. البته در نهایت، بکر می‌پذیرد که این فرآیند هرگز گریزناپذیر نیست.

۲-۵-۲) نظریه ادوین لمرت^۱: واکنش اجتماعی به منزله علت انحراف

ادوین لمرت نیز هم‌چون بکر بر اهمیت نقش واکنش‌های اجتماعی نسبت به فرد منحرف تأکید دارد. وی انحراف را در دو دسته طبقه‌بندی کرده است:

الف) انحراف اولیه شامل آن دسته از اعمال انحرافی است که پیش از آن‌که برچسب عمومی زده شود رخ می‌دهند. این انحرافات معمولاً به گونه‌ای یک رفتار عادی تلقی می‌شوند.

ب) انحراف ثانویه واکنشی است که فرد یا گروه منحرف نسبت به بازتاب اجتماعی نشان می‌دهند، بازتابی که هویت انحرافی وی را از طریق اعطای برچسب انحرافی از سوی جامعه شکل می‌دهد.

لمرت بر آن است که انحراف ثانویه چون عواقب عمده‌ای بر شخصیت فرد، موقعیت

1. Edwin Lamert's Theory

وی در جامعه و اعمال وی در آینده دارد، بایستی مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد زیرا علل اصلی انحراف ثانویه از صحنه خارج می‌شوند، ولی پیامد آن واکنش اجتماعی نظیر منزوی کردن فرد منحرف و خوار شماری وی است که پا بر جا می‌ماند و به همین دلیل است که وی واکنش اجتماعی را علت انحراف می‌داند.

۳-۵-۲) نظریه اروینگ گافمن^۱: انحراف و نهاد درمانی

از نظر تعامل‌گرایان، نهادهای مختلفی نظیر زندان، ندامتگاه، مراکز بازپروری، تیمارستان و مراکز اصلاح و تربیت که برای درمان انحراف تشکیل شده‌اند، مجموعه‌ای هستند که برجسب انحراف را هم بر فردی که برجسب خورده و هم برای کل جامعه مورد تایید قرار می‌دهند. گافمن بر آن است که مقررات این نهادها و چگونگی تعامل‌شان با افراد تحت درمان و مراقبت، بر فرد فشار وارد می‌کند تا هویتی را که آنان برایش قائل‌اند بپذیرد. آن‌ها از او هویت‌زدایی می‌کنند و طی یک فرآیند، برای وی شخصیت و هویت جدیدی می‌سازند، نظیر این که وی دچار لغزش اجتماعی است، شکست خورده است و شایستگی‌های یک فرد عادی را ندارد. یک حالت مهم این است که این افراد القانات این نهادها را بپذیرند و خود را منحرفینی درمانده و بیچاره بدانند. ممکن است که آنان برای زندگی بیرون از مؤسسه، آماده نباشند و بر اثر این القانات و مجموعه ارتباطها و در هم ورزی‌هایی که فرد تحت درمان را در درون مؤسسه تحت تأثیر قرار می‌دهد، هویت فرد منحرف را بپذیرند؛ خصوصاً دیرپاترین و بااهمیت‌ترین نتیجه زندان رفتن یک فرد، برجسبی است که به عنوان فرد معتاد یا زندان رفته بر وی زده شده است و این برجسب بازگشت وی به جامعه را به عنوان یک فرد عادی و قابل احترام مشکل می‌سازد.

۶-۲) مدل تحقیق و فرضیات پژوهش

در رویکرد این پژوهش نسبت به اعتیاد، فرد معتاد در تعامل با نهادهای اجتماعی (خانواده،

1. Erving Gufman's Theory

دوستان، فضای فرصت‌های کنترل نشده و...) است و این محیط‌های پیرامونی با گرایش وی به اعتیاد مرتبط‌اند. هر کدام از این عوامل دارای زیر گروه‌ها و خرده عواملی هستند که در این پژوهش در قالب فرضیات تدقیق شده و مورد بررسی قرار می‌گیرند. متغیر وابسته این پژوهش، اعتیاد است و متغیرهای مستقل فرضیات عبارت‌اند از:

الف) متغیرهای مربوط به نهاد خانواده (وضعیت تحصیلی و فرهنگی خانواده، وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده، زمینه خانوادگی اعتیاد، میزان پیوستگی یا احساس تعلق فرد به خانواده، شیوه سرپرستی ضعیف و ناهمخوان خانوادگی، احساس تبعیض توسط فرد از سوی والدین، بعد خانواده)؛

ب) متغیرهای مربوط به دوستان (ویژگی‌های اختصاصی دوستان فرد، وجود خرده فرهنگ بزهکاری در میان دوستان فرد)؛

ج) سایر متغیرها (میزان فرصت‌های کنترل نشده فرد، میزان دسترسی فرد به مواد مخدر، برجسب معتاد زدن به فرد، میزان پیوستگی فرد به محیط آموزش یا کار، میزان تقید فرد به مناسک مذهبی، وضع اشتغال).

۳) روش مطالعه

۳-۱) نوع و ابزار مطالعه

این پژوهش، به روش پیمایشی انجام شده است. با توجه به ماهیت تحقیق، در مرحله گردآوری اطلاعات از ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته، استفاده شده است.

برای تعیین روائی یا اعتبار ابزار اندازه‌گیری ابتدا از شیوه اعتبار محتوا که معمولاً برای بررسی اجزای تشکیل‌دهنده یک ابزار به کار می‌رود و معرف چگونگی توصیف ابعاد مفهوم است استفاده شده و پس از طراحی، پرسش‌نامه در اختیار ۵ نفر از افراد متخصص و محقق جامعه‌شناسی قرار گرفت و پس از جرح و تعدیل‌هایی، اعتبار صوری آن مورد ارزیابی قرار گرفت و بر اساس قضاوت داوران، اعتبار ابزار اندازه‌گیری در سطح بالائی ارزیابی گردید. برای بررسی پایائی ابزار

پس از انجام مطالعه مقدماتی و قرار گرفتن پرسش‌نامه در اختیار ۳۰ نفر جوان معتاد در مرکز خود معرف استان، باتوجه به این‌که این پرسش‌نامه از ۱۵ آزمون فرعی تشکیل شده است، واریانس آزمون‌های فرعی محاسبه و از طریق محاسبه آلفای کرونباخ که یک ضریب اعتباری است، ضریب آلفا ۰/۸۶۵، به‌دست آمد که در حد زیادی ضریب قابل قبولی است.

۳-۲) جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش تعداد ۲۰۵ نفر معتاد است که در مرکز بازپروری دالاب شهرستان ایلام نگهداری می‌شوند و با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کریسی و مورگان (Krejcie, & Morgan, 1970: 607) تعداد ۱۳۲ نفر از آنان به‌عنوان نمونه آماری تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند.

۳-۳) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای توصیف داده‌ها از جدول توزیع فراوانی و درصد نسبی، و برای تحلیل و آزمون فرضیات از آماره χ^2 ، ضریب توافقی پیرسون و تفسیر همبستگی هلر و روزمن (اتسلندر، ۱۳۷۱: ۳۲۷) استفاده شده است.

۳-۴) تعاریف عملیاتی متغیرها

تعاریف عملیاتی متغیرهای مستقل این پژوهش در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱: تعاریف عملیاتی متغیرهای مستقل مطالعه

تعریف عملیاتی	متغیر
وجود سابقه اعتیاد یکی از والدین یا هر دو، برادر، خواهر و فامیل نزدیک (عمو، دایی و...)	زمینه خانوادگی اعتیاد
میزان تحصیلات پدر، مادر و پاسخگو	وضعیت تحصیلی و فرهنگی خانواده

ادامه جدول ۱

وضعیت خانواده از نظر میزان دعوای والدین با همدیگر یا با پاسخگو، میزان قهر	میزان نابسامانی خانوادگی
---	--------------------------

والدین با همدیگر یا با پاسخگو، میزان قهر پاسخگو با برادر یا خواهر، میزان و سابقه غیبت یکی از والدین، پاسخگو، برادر یا خواهر از منزل	
میزان راحتی در میان گذاشتن مشکلات با پدر و مادر، میزان صحبت کردن درباره آرزوها و نقشه‌های خود برای آینده با پدر و مادر، میزان دوست داشتن همانندی با پدر و مادر.	میزان پیوستگی یا احساس تعلق به خانواده
از طریق یک سؤال این مفهوم مورد پرسش قرار گرفته و برحسب مقولاتی از «هرگز» تا «خیلی زیاد» طبقه‌بندی می‌شود.	میزان احساس تبعیض در خانواده
میزان دخالت بیش از حد یکی از والدین، میزان آسان‌گیری بیش از حد والد دیگر، ایرادگرفتن از رفتار فرد توسط والدین، متهم شدن از جانب والدین، فقدان تمجید از کارهای مثبت فرد توسط والدین و نیز انتظار غیرواقعی داشتن والدین از فرد	شیوه سرپرستی خانواده
از طریق تعداد افراد خانواده مورد سنجش قرار می‌گیرد	بعد خانواده
غیبت غیرموجه از مدرسه بدون اطلاع والدین، میزان اخراج از مدرسه در طول دوره تحصیل، میزان عدم حضور به‌موقع در منزل بدون اطلاع والدین	میزان فرصت‌های کنترل‌نشده فرد
تعداد دوستان صمیمی اهل دود و دم، تعداد دوستان مشوق کشیدن سیگار یا مواد مخدر، تعداد دوستان صمیمی دستگیرشده توسط پلیس، تعداد دوستان صمیمی دارای سابقه زندان و نیز تعداد دوستان صمیمی مشوق فرد به انجام کارهای خلاف	ویژگی‌های اختصاصی دوستان
تعداد دوستان صمیمی اهل دود و دم، تعداد دوستان صمیمی دستگیرشده توسط پلیس و تعداد دوستان صمیمی دارای سابقه زندان	وجود خرده فرهنگ بزهکاری در بین دوستان فرد
سهولت تهیه مواد مخدر و یا آشنایی با مواد قبل از اعتیاد	میزان دسترسی به مواد مخدر
آیا قبل از اعتیاد، به فرد برجسب معتاد زده شده است؟	برجسب معتادخوردن به فرد
آیا فرد قبل از اعتیاد به کاری اشتغال داشته است یا خیر؟	وضع اشتغال
میزان تبعیض روسا بین کارکنان، تشویق از طرف اداره، راهنمایی فرد جهت حل مشکلات خویش از سوی روسا، میزان درگیری فرد با همکاران در محیط کار و میزان علاقه به کار	میزان پیوستگی به محیط کار
میزان خواندن نماز یومیه و روزه گرفتن که واجب‌اند و مستحباتی نظیر شرکت در نماز جماعت، شرکت در سخنرانی مذهبی، دادن صدقه و انفاق و نیز شرکت در جلسات دعا	میزان تقید به مناسک مذهبی

- تعریف عملیاتی متغیر وابسته: اعتیاد عبارت است از وابستگی دارویی و مصرف مزمن و مکرر مواد مخدر نظیر تریاک، هروئین، حشیش و ...

۴ یافته‌ها

براساس نتایج به دست آمده، ۶۸ درصد پاسخگویان در گروه سنی ۳۰-۲۰ سال قرار دارند. ۷۲/۵ درصد پاسخگویان متولد شهر و ۸۸/۷ درصد نیز ساکن شهر هستند. ۵۲/۵ درصد پاسخگویان بیکار و ۸۶/۱ درصد شاغلین نیز در مشاغل پائین دستی بخش خصوصی به کار اشتغال دارند. ۵۰/۱ درصد پاسخگویان دارای تحصیلاتی کم‌تر از دیپلم و تنها ۲/۴ درصد تحصیلاتی بالاتر از دیپلم دارند. ۴۲/۵ درصد پاسخگویان در خانواده‌های پرجمعیت (۹-۷ نفره) زندگی می‌کنند. ۳۹ درصد پاسخگویان دارای زمینه خانوادگی اعتیاد هستند. ۴۶/۲ درصد پاسخگویان دارای بیش از ۳ دوست معتاد هستند. ۳۹/۷ درصد پاسخگویان در میهمانی‌های دوستانه، ۳۳/۳ درصد در منزل خودشان، و ۱۳ درصد در پارک و فضاهای تفریحی برای اولین بار مصرف مواد مخدر را تجربه کرده‌اند. میانگین مدت اعتیاد آنان ۳/۵ سال و شدت اعتیاد در حد متوسط است. حدود ۹۵ درصد پاسخگویان از تریاک، ۲۰ درصد از هروئین و ۲۰ درصد از حشیش استفاده می‌کنند. ۷۰/۲ درصد پاسخگویان از یک ماده مخدر، ۱۳/۵ درصد از دو ماده مخدر و ۱۶/۷ درصد نیز از سه ماده مخدر استفاده می‌کنند. ۴۸ درصد پاسخگویان علت شروع اعتیاد خویش را دوستان ناباب، ۲۹ درصد ناآگاهی، ۲۰ درصد دسترسی به مواد، ۲۲/۵ درصد کنجکاو، ۲۰ درصد زمینه خانوادگی، ۱۹ درصد شکست تحصیلی و ۱۹ درصد نیز اختلاف خانوادگی ذکر کرده‌اند.

جدول ۲: آزمون داده‌های مربوط به فرضیات مطالعه

متغیرهای مستقل	χ ^۲	df	سطح اطمینان	Sig.	ضریب توافقی پیرسون	شدت رابطه براساس تفسیر همبستگی هلروروزمن
زمینه خانوادگی اعتیاد	۶/۴	۱	۹۵٪	۰۰۰/	۰/۲۳	پائین
وضعیت تحصیلی و فرهنگی خانواده	۳۳/۴۹	۲	۹۹٪	۰۰۰/	۰/۶۲	متوسط
میزان نابسامانی خانوادگی	۹۶/۷۱	۴	۹۹٪	۰۰۰/	۰/۷	بالا
میزان پیوستگی با خانواده	۲۰/۴۲	۴	۹۹٪	۰۰۰/	۰/۶	متوسط
میزان احساس تبعیض در خانواده	۶۲/۱۶	۴	۹۹٪	۰۰۰/	۰/۴۱	متوسط
شیوه سرپرستی خانواده	۳/۸۷	۴	۹۹٪	۰۰۰/	۰/۷۲	بالا
بعد خانواده	۶/۲۳	۳	۹۹٪	۰۰۰/	۰/۴۸	متوسط
میزان فرصت‌های کنترل نشده فرد	۲۶/۶۳	۴	۹۹٪	۰۰۰/	۰/۷	بالا
ویژگی‌های اختصاصی دوستان فرد	۱/۶۶	۴	۹۹٪	۰۰۰/	۰/۷	بالا
وجود خرده فرهنگ بزهکاری در بین دوستان فرد	۹۵/۴۴	۴	۹۹٪	۰۰۰/	۰/۵۹	متوسط
میزان دسترسی به مواد مخدر	۳۲/۲۳	۴	۹۹٪	۰۰۰/	۰/۵	متوسط
برچسب معتاد خوردن به فرد	۸۳/۲۹	۴	۹۹٪	۰۰۰/	۰/۵۲	متوسط
وضع اشتغال (بیکاری)	۶/۴	۱	۹۹٪	۰۰۰/	۰/۷۶	بالا
میزان پیوستگی به محیط کار	۲/۱۴	۴	۹۵٪	۰۰۰/	۰/۵۳	متوسط
میزان تقید به مناسک مذهبی	۸/۱۳۵	۴	۹۹٪	۰۰۰/	۰/۷۹	بالا

(۵) بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده در باب متغیرهای این تحقیق بیان‌گر مسائل زیر است:

۱-۵) فضای کنترل خانواده

الف) زمینه خانوادگی اعتیاد با گرایش به اعتیاد مرتبط است، زیرا وجود فرد معتاد در خانواده سبب می‌شود که فرد به همانندسازی با الگوی نقش در خانواده پرداخته و از سوی دیگر دسترسی وی به مواد مخدر تسهیل شود. این امر با آموزه‌های نظری ساترلند که اصول تکرار، اولویت، شدت و تداوم تماس با منحرفین را بر انحراف موثر می‌داند مطابقت دارد و با یافته‌های پژوهشی عالی‌پور (۱۳۷۷) که ۸۰ درصد افراد مورد بررسی وی در بین اطرافیان خود فرد معتاد داشته‌اند، و نیز یافته‌های بیرامی (۱۳۷۷) که وجود اعتیاد والدین را زمینه‌ساز اعتیاد فرزندان می‌داند، هم‌خوانی دارد.

ب) رابطه وضعیت تحصیلی و فرهنگی خانواده با اعتیاد، در این تحقیق تایید شده است زیرا والدین بی‌سواد یا کم‌سواد همانند والدین پاسنگویان مورد بررسی این تحقیق، از یک سو از درک خواسته‌ها و نیازهای فرزندان و از سویی دیگر به فرض شناخت، از ارائه پاسخ‌های مناسب به آن‌ها عاجزند و این امر باعث می‌شود که فرد، به علت کیفیت پایین شناخت و دانش اجتماعی و محدود بودن جهان اجتماعی‌اش، در مواجهه با مسائل خطیری نظیر اعتیاد توان مقاومت نداشته باشد.

ج) رابطه بین نابسامانی خانوادگی با اعتیاد در این پژوهش تایید گردیده و مشخص شد شدت این رابطه در حد بالایی است. زمانی که کانون خانوادگی مأمّن مناسبی برای فرد نیست، زمینه‌هایی فراهم می‌شود که فرد به دیگر کانون‌های اجتماعی که در آن پذیرفته شده و احساس حمایت می‌کند، پناه ببرد و این کانون‌ها در اغلب موارد همان کانون‌های خطرناک نظیر فضای اجتماعی دوستان و همسالان منحرف است. این یافته با یافته‌های زمانی (۱۳۷۵) و فرجاد (۱۳۷۷) که وجود مشکلات و نابسامانی خانوادگی را در گرایش فرد به سمت اعتیاد موثر دانسته‌اند، مطابقت دارد.

د) میزان احساس تعلق به خانواده با گرایش فرد به اعتیاد مرتبط است، به دلیل آن‌که هر چه پیوند فرد با خانواده کم‌تر باشد، میزان تعلق و پیوستگی وی با دیگر کانون‌های پذیرنده وی افزایش می‌یابد و این امر، تاییدی است بر نظریه کنترل تراویس هیرشی. این ارتباط در

پژوهش طالبان (۱۳۸۰) و پژوهش قبلی نگارنده در زمینه اعتیاد (فیض الهی، ۱۳۸۱) نیز تایید گردیده است، زیرا برخی از انواع تعاملات میان والدین و فرزندان از جمله فقدان نزدیکی عاطفی، فقدان سهیم شدن والدین در فعالیت‌های کودک با گرایش به رفتار بزهکارانه مرتبط است؛ ضمن این‌که پیوند عاطفی خانواده می‌تواند مانعی برای درگیر شدن فرد با مواد مخدر در دوره نوجوانی و جوانی باشد.

ه) ارتباط احساس تبعیض عاطفی در خانواده توسط فرد از سوئی و شیوه سرپرستی ضعیف و ناهمخوان خانوادگی از سوی دیگر با گرایش فرد به سمت مواد مخدر مرتبط است. این امر توسط سایر تحقیقات نیز مورد تأیید قرار گرفته است و به‌طور کلی این مجموعه عوامل با چارچوب نظری تحقیق و نظریات جامعه‌شناسانی نظیر هیرشی و ساترلند هم‌خوانی دارد. (و) بعد خانواده نیز به‌دلیل وجود فرزندان متعدد در خانواده، فرصت تعامل مثبت و کنترل اجتماعی آنان توسط والدین را محدود می‌سازد و در این پژوهش نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

۲-۵) فرصت‌های کنترل‌نشده فرد

میزان فرصت‌های کنترل‌نشده فرد با اعتیاد مرتبط بوده است، بدین معنی که هر چه فضای اجتماعی کنترل‌نشده فرد بیش‌تر باشد، احتمال گرایش وی به سوی انحراف و در نمونه مورد بررسی به سوی مصرف مواد مخدر افزایش می‌یابد.

۳-۵) فضای کنترلی دوستان

ویژگی‌های رفتاری منفی دوستان به‌دلیل همانندسازی و الگوپذیری از همسالان بزهکار، زمینه‌آشنایی و دسترسی به مواد مخدر را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر تأثیر وجود خرده فرهنگ بزهکاری در بین دوستان بر اعتیاد در این تحقیق تأیید شده و توسط محققان بسیار زیادی نیز مورد تأکید قرار گرفته است و با نظریه کنترل تراویس هیرشی و دیدگاه کلوارد و اوهلین نیز مطابقت دارد.

۴-۵) فضای کنترلی کار

الف) بیکاری که یکی از عوامل مرتبط با اعتیاد است در نمونه مورد بررسی نیز تایید شده است و شدت همبستگی آن نیز در سطح بالایی ارزیابی شده است و تحقیقات متعددی نیز بر آن تأکید کرده‌اند.

ب) میزان پیوستگی به محیط کار با گرایش فرد به سوی اعتیاد ارتباط دارد و شدت رابطه آن در حد متوسط است. به علت محدود بودن تعداد شاغلین مورد بررسی نمی‌توان این امر را کاملاً تعمیم داد، ولی به هر حال مطلبی در خور تأمل است زیرا برحسب تئوری سرایت اجتماعی، رضایت یا نارضایتی از یک محیط مربوط به حیات اجتماعی فرد موجب می‌شود که فرد آن را به دیگر محیط‌های اجتماعی بلافصل زندگی اجتماعی خود نیز بسط دهد.

۵-۵) سایر متغیرها

الف) دریافت برچسب معتاد با گرایش فرد به سمت مواد مخدر مرتبط است زیرا موجب می‌شود که فرد این انگاره را در خود درونی ساخته و با آن کنار آید و مؤید این امر، دیدگاه‌های لمرت و گافمن است.

ب) میزان تقید به انجام مناسک مذهبی با گرایش فرد به سوی اعتیاد مرتبط است؛ بدین معنی هر چه وضعیت دین‌داری فرد ضعیف و تقید مذهبی وی اندک باشد، احتمال کج‌روی وی بیش‌تر می‌شود، زیرا میزان خودبازدارندگی ناشی از احساس گناه توسط وی کاهش می‌یابد. در این تحقیق این رابطه تأیید شده و شدت رابطه آن نیز در سطح بالایی قرار دارد و با نتایج تحقیق دیگر نگارنده (فیض‌اللهی، ۱۳۸۱) هم‌خوانی دارد.

ج) میزان دسترسی به مواد مخدر به دلیل این‌که وجود فرد معتاد در خانه، معاشرت با دوستان معتاد و بازار عرضه مواد مخدر همگی عواملی هستند که آشنایی فرد با مواد مخدر را فراهم می‌سازند، در نمونه مورد تحقیق تایید شده است.

پدیده اعتیاد علاوه بر به مخاطره انداختن سلامت انسان‌ها، زمینه‌ساز تضعیف بسیاری

از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است و موجبات انحطاط معنویت، فرهنگ، فروپاشی زندگی فردی و اجتماعی را فراهم می‌سازد. نتایج حاصل از تحقیق حاضر بیان‌گر نقش نهادهای اجتماعی‌کننده فرد نظیر خانواده، دوستان، محیط آموزشی و کار به‌عنوان فضاهاى کنترل شده و نیز میزان فرصت‌های کنترل نشده اجتماعی فرد در گرایش به انحرافات اجتماعی و به‌طور خاص اعتیاد در این پژوهش است و با آموزه‌های نظری جامعه‌شناسی و نتایج تحقیقات اجتماعی دیگران دربارهٔ معضل اعتیاد همخوانی دارد. لذا در هرگونه برنامه‌ریزی برای مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر بایستی به طراحی برنامه‌های آموزشی برای تحکیم بنیان خانواده، مدیریت خانواده، توجه والدین به مجالس دوستانهٔ فرزندان، کنترل فضای کنترل نشدهٔ فرزندان و تقویت بینش علمی مدیران نهادهای آموزشی به‌ویژه مدارس توجه کافی مبذول گردد. در ضمن روایی ابزار اندازه‌گیری به‌دلیل ماهیت خاص مفاهیم علوم اجتماعی، در این پژوهش به شیوهٔ روایی صوری تعیین گردیده است که می‌تواند به عنوان یک محدودیت تلقی شود.

- اتسلندر، پتر. (۱۳۷۱)، *روش‌های تجربی تحقیق اجتماعی* (ترجمه بیژن کاظم‌زاده)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان ایلام. (۱۳۸۴)، *آمار نامه محرمانه اعتیاد*، منتشر نشده.
- بیرامی، منصور. (۱۳۷۷)، «نقش خانواده در وابستگی به مواد در بین نوجوانان و جوانان»، *مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل اعتیاد*، تبریز.
- بیکر، تریز، ال. (۱۳۷۷)، *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی* (ترجمه هوشنگ ناییبی)، تهران، انتشارات سروش.
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۲)، *درآمدی به جامعه* (ترجمه حسین بهروان)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- زمانی، محمود. (۱۳۷۵)، *علل گرایش جوانان ۲۵-۱۵ ساله به اعتیاد در ابهر، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل اعتیاد*، تبریز.
- صفوی، امان‌اله. (۱۳۷۰)، *انحرافات اجتماعی*، تهران، نشر کلمه.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۰)، «بزهکاری جوانان و نظریه کنترل»، *نمایه پژوهش*، سال پنجم، شماره هفدهم.
- عالی پور هریسی، مهرداد. (۱۳۷۷)، «خانواده و اعتیاد»، *مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل اعتیاد*، تبریز.
- فرجاد، محمدحسین؛ بهروش، هما و وجدی، زهره. (۱۳۷۷)، *اعتیاد*، چاپ دوم، تهران، انتشارات بدر.
- فیض‌اللهی، علی. (۱۳۸۱)، *بررسی عوامل موثر بر گرایش دانش‌آموزان به سوء مصرف مواد مخدر در ایلام*، پژوهشکده تعلیم و تربیت، سازمان آموزش و پرورش استان ایلام.
- کوئن، بروس. (۱۳۷۵)، *مبانی جامعه‌شناسی* (ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل)، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت.
- Krejcie, R.V. & Morgan, D.W. (1970), "Determining Sample Size for Research Activites", *Educational and Psychological Measurement*, 30.